

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی در کاربرد زبان فارسی در ایران با تأکید بر مادران و دختران

سمیه اسمعلی‌زاده^۱

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

جبار رحمانی^۲

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

چکیده

در این تحقیق که از طریق روش توصیفی و بر اساس مدل لادو انجام شد، ۴۰ نفر شامل ۲۰ نفر مادر میانسال و ۲۰ نفر دختر جوان در رده سنی دانش آموزان دبیرستان و دانشجویان، انتخاب شدند و سپس برخی ارزش‌های زبانی -در سطح واژگان- شامل استفاده از واژه‌های تابو، واژه‌های مذهبی، واژه‌های خطاب، واژه‌های عاطفی، اصطلاحات یا واژه‌های عامیانه (زبان مخفی) و تکیه کلام هر دو نسل، مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به یافته‌های این پژوهش، نوع واژه‌های به کار رفته در گفتار دو نسل متفاوت است همچنین محتوای پیام آنها نیز تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارد که فهم معنای این تفاوت‌ها منوط به فهم تحولات فرهنگی و ارزشی بین نسلی است. نتایج این تحقیق بیانگر فاصله‌ی میان دو نسل مورد نظر در این تحقیق است. این فاصله دال بر تفاوت‌های فرهنگی بین نسلی نیز می‌باشد. اما این فاصله همراه است با کانال‌ها و پل‌های ارتباطی خاص در سایر بخش‌های فرهنگ و زبان. بنابراین فاصله بین نسل مادران و دختران، علی‌رغم تفاوت‌هایی که دارند، منجر به شکاف نسلی نشده است. چراکه همواره بین نسل‌ها و درون نسل‌ها، نوعی فاصله و تفاوت احساس می‌شود که این فاصله ممکن است ناشی از عواملی مانند تحولات فرهنگی و تفاوت‌های نسلی باشد. همه این تحولات فرهنگی بین نسلی در کاربرد و معنای زبان بازتاب می‌یافتند.

واژه‌های کلیدی: تغییرات نسلی، تفاوت نسلی، زبان‌شناسی اجتماعی، واژگان زبان، تحولات فرهنگی.

1. s_esmaalizade@yahoo.com

2. rahmani59@yahoo.com

۱- مقدمه

در خصوص مقایسه نسل‌ها، از جنبه‌های مختلف، تحقیقات گوناگونی انجام شده است. بدیهی است هر نسلی تفاوت‌هایی با نسل قبل از خود دارد و به طور طبیعی، هر نسل آینه تمام‌نمای اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های نسل قبل از خود نیست. در هر جامعه‌ای، شرایط و وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سنی، آموزشی و تربیتی، منجر به ایجاد ارزش‌های جدید و یا تغییر در نسل جوان با نسل قبل از خود (والدین) می‌شود. بنابراین در شکل‌گیری این فاصله و تفاوت میان نسل‌ها، عوامل گوناگونی نقش دارند، که متأثر از شرایط جامعه و جهانی‌اند. یکی از این تحولات فرهنگی و اجتماعی، تغییرات فرهنگی بین‌نسلی است. این موضوع با مفاهیمی از قبیل تضاد نسلی، شکاف نسلی، تغییرات نسلی بیان شده است. برخی تأکید بر تضاد داشته‌اند، مانند ایزنشتات^۱. به عقیده ایزنشتات (۱۹۵۶)، در جوامع پیچیده مبتنی بر تحولات سریع، تضاد نسل‌ها غیر قابل اجتناب خواهد بود. وی معتقد است که تضادها و تناقض‌های موجود بین نهادها، آداب و رسوم و عناصر زندگی با پیشینه مختلف، به تناقضات و تضادهای بین نسل‌های انسانی شباهت دارد. تغییرات سریع اجتماعی طی سال‌های اخیر، علاوه بر آثار و پیامدهای مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، پدیده فاصله نسلی را نیز موجب شده‌اند. یعنی فاصله فکری، سلیقه‌ای، ارزشی و رفتاری که، به طور عام، بین نسل‌های مختلف به وجود آمده است (نقل از قادری، ۱۳۸۹: ۱۹). اما گاه این تحولات سریع و رو به رشد، باعث عمیق‌تر شدن این تفاوت‌ها و ایجاد شکاف و گسست نسلی می‌شود. تحولات فرهنگی بین‌نسلی در جوامع مدرن، که سرعت تغییرات به شدت بالاست، به راحتی می‌توانند به تضاد منجر شوند. اما در جوامع سنتی به واسطه کندبودن تغییرات و مؤلفه‌های تداوم‌بخش میراث فرهنگی، به ندرت منجر به تضاد شده و در نهایت تغییر بطئی و کندی را رقم می‌زنند. به همین سبب تغییرات فرهنگی بین‌نسلی، بسته به زمینه جامعه و فرهنگ، نتایج متفاوتی خواهند داشت.

در شرایطی که تغییرات فرهنگی منجر به تضاد و انقطاع فرهنگی بین‌نسلی شود، تفاوت‌های موجود بین دو نسل و ملاک‌های انقطاع نسلی عبارتند خواهند بود از: عدم ارتباط آشکار بین فضای معنایی دو نسل (ذهنیت یا همان فضای فکری که منجر به درک متفاوت دو نسل از جامعه و جهان می‌شود)، دگردیسی در آرمان‌ها و اهداف، تعویض سریع مفاهیم یک جامعه، الگویابی یا الگوگیری، دگردیسی در ظاهر، پوشش، آرایش مو و صورت، انتظارات، نوع

1. S. N. Eisenstadt

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

سخن‌گفتن و اصطلاحات روزمره. به‌عنوان مثال اصطلاحات روزمره و مفاهیمی مانند برادر، خواهر، رفیق، دوست، ایثارگر، جانباز، معنای عمیقی دارند. اما اگر اصطلاحات روزمره‌ای که یک نسل به‌کار می‌برد، با اصطلاحات نسل دیگر، چنان متفاوت باشد که نتواند این دو نسل را به هم مرتبط کند، فهم متقابل بین دو نسل دچار مشکل می‌شود. در حال حاضر شاهد این دگردیسی در اصطلاحات روزمره هستیم (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۷-۷۵).

برای بررسی تطبیقی دو نسل، از اصطلاحات مختلفی استفاده می‌شود که هرکدام پیشینه مفهومی و نظری خاصی دارند. اصطلاحاتی مانند شکاف نسلی، فاصله نسلی، تفاوت نسلی، انقطاع نسلی و ... در این مقاله تأکید بر تفاوت‌های نسلی است. تأکید بر واژه تفاوت، دال بر آن است که هرچند بین دو نسل تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی خاصی وجود دارد (که البته این تفاوت‌ها و گستره آنها به زمینه و شرایط اجتماعی و فرهنگی بستگی دارند)، اما این تفاوت‌ها، با انقطاع یا شکاف فرهنگی کامل بین دو نسل همراه نیستند. این تفاوت‌های نسلی، بیانگر تفاوت‌هایی فرهنگی‌اند که دو نسل پی‌درپی در استفاده از زبان دارند، اما در عین حال، کانال‌های ارتباطی و فرهنگی بسیاری وجود دارند که فراتر و شاید قوی‌تر از این تفاوت‌ها عمل می‌کنند و رابطه دو نسل را مقدور و انتقال فرهنگی را میسر می‌سازند. با توجه به تحولات فرهنگی در نسل جدید (که به معنای تفاوت بین نسل‌ها می‌توان آن را محسوب کرد)، و از آنجا که زبان به‌عنوان پدیده اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با ساخت اجتماعی و نظام ارزش‌های جامعه دارد، هدف از پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه تغییرات نظام ارزشی نسل جوان و والدین آنها و بازتاب آن در زبان است. سؤال اصلی در این بررسی این است که آیا وجود این تفاوت ارزشی بین نسل‌ها، منجر به انعکاس متفاوت نگرش‌ها و باورها، هنجارها، رفتارها و ارزش‌های مشترک بین نسل‌ها، در زبان شده است؟

مطالعات پیشین در مورد تفاوت‌های نسلی در جامعه ایرانی، نشان داده که این تفاوت‌ها، با تغییرات فرهنگی خاصی همراه بوده است. پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص این موضوع، که آیا ارزش‌های خانواده و جامعه ایرانی در سال‌های اخیر دگرگون شده یا خیر، نتایج مختلفی در بر داشته است. برخی معتقدند که تحولات اخیر، تغییرات عمیق ارزش‌ها، سنت‌ها و باورهای نسل قبل را در پی داشته و در نتیجه منجر به ایجاد شکاف نسلی شده است. عده‌ای دیگر بر این باورند که در جامعه کنونی ایران، فقط تفاوت نسلی به معنای اختلاف طبیعی در باورها، ارزش‌ها و هنجارهای میان نسل‌ها وجود دارد و اعتقاد به سنت‌ها و ارزش‌های خانواده و جامعه

با اندکی تغییر، همچنان پابرجاست. به‌عنوان مثال، عده‌ای از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان معتقدند که شکاف بین نسل‌ها در ایران، پدیده‌ای است که قبل از انقلاب نیز وجود داشته، اما پس از انقلاب اسلامی به شدت افزایش یافته است و این افزایش ناشی از تحولات انقلابی و تغییراتی است که در بسیاری از موارد، تند، ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده بوده‌اند (توسلی، ۱۳۸۲: ۲۴۳). برخی از محققان نیز معتقدند که ایران در حال حاضر در معرض بحران هویتی قرار دارد. بحرانی که علاوه بر فرایندهای جهانی، مشکلات ساختاری و نهادی موجود را نیز تشدید می‌کند. این گروه، انقطاع نسل‌ها را نیز نوعی بحران هویت می‌داند (آقاجری، ۱۳۸۲: ۱۶۰). به عبارت دیگر از نظر آنها در چنین شرایطی فضاهای معنایی یک نسل با نسل دیگر قیاس‌ناپذیر است، یعنی آنها نمی‌توانند همدیگر را بفهمند. وقتی که صحبت می‌کنند گویی که مخاطب در یک عالم و گوینده در عالمی دیگر است (فیرحی، ۱۳۸۲: ۷۳). نسل قبل، با هر گرایشی، به عدالت، ظلم‌گریزی و تقسیم‌بندی‌های سیاسی علاقه‌مند است، در حالی که نسل جدید برخلاف نسل قبل عمیقاً واقع‌گراست. بنابراین نسل سوم باعث خواهد شد که شکاف‌های فکری و تفاوت‌های فرهنگی، نه از طریق نظام‌های سیاسی و گروه‌های علمی، بلکه از طریق گسست نسل‌ها به وقوع بپیوندد (سریع‌القلم، ۱۳۸۲: ۱۷۳). از سوی دیگر محققانی که به تفاوت بین نسلی قایلند، معتقدند اگرچه تغییرات ارزش‌ها و نگرش‌ها در برخی زمینه‌ها با شتاب فوق‌العاده زیادی تغییر کرده است، اما در واقع، چنین پدیده‌ای گسست فرهنگی است نه شکاف بین نسلی (معیدفر، ۱۳۸۳: ۷۶). به عقیده آنها تفاوت ارزشی دو نسل، نه تنها نسبت به قبل از انقلاب اسلامی کاسته شده، بلکه نوعی همسویی و همگرایی نیز در نگرش‌های دو نسل دیده می‌شود (توکلی، ۱۳۸۲: ۳۷۴). به همین دلیل در مطالعات نسلی در ایران، بهتر است از مقوله تفاوت نسلی استفاده شود، تا شکاف یا انقطاع.

زبان از مهم‌ترین فضاهای تجلی تغییرات فرهنگی بین‌نسلی است. زبان رفتاری اجتماعی است، که افراد هر جامعه ملزم به رعایت آن هستند. علاوه بر اینکه گروه‌های اجتماعی هر جامعه، تابع قواعد کلی زبان آن جامعه هستند، هنجارهای گروهی خاص خود را نیز دارند. به همین دلیل زبان واحد جامعه در گروه‌های اجتماعی، متناسب با هنجارهای آنها دچار تغییراتی می‌شود. این تغییرات، عمدتاً در واژگان و اصطلاحات زبان رخ می‌دهد (سمائی، ۱۳۸۲: ۶-۵). به عبارت دیگر، زبان به مثابه نهادی اجتماعی باید مورد مطالعه قرار گیرد. در زمینه مطالعات

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

تغییرات فرهنگی بین‌نسلی، رفتار زبانی نسل‌های مختلف را نباید رفتاری شخصی در نظر گرفت، بلکه باید آن را رفتاری در بافت فرهنگی جامعه بدانیم (آرشر^۱، ۲۰۰۱: ۱۷۰). زبان نیز مانند سایر فعالیت‌های اجتماعی، نه‌تنها باید متناسب با خصوصیات اجتماعی گوینده (نظیر طبقه اجتماعی، گروه نژادی، سن و جنس) باشد، بلکه باید برحسب بافت اجتماعی نیز تغییر کند. به همین دلیل در بیشتر جوامع، گفتار زنان و مردان باهم متفاوت است. گوینده در موقعیت‌های متفاوت و برای مقاصد مختلف از زبان‌گونه^۲ های متفاوتی استفاده می‌کند (ترادگیل^۳، ۱۳۷۶: ۱۴۱). عوامل اجتماعی متعددی در چگونگی به‌کاربردن زبان نقش دارند. از این رو در اکثر جوامع زبانی، تفاوت‌های موجود در بافت اجتماعی، که به طور کلی شامل مخاطب، موضوع، رسانه و نیز موقعیت می‌گردد، منجر به استفاده از سبک‌های مختلف می‌شود (همان: ۱۴۵).

اینکه زبان را باید با توجه به بافت اجتماعی آن تحلیل کرد، ریشه در آرای مالینوفسکی^۴ و مکتب زبان‌شناسی لندن دارد. مکتب لندن، خود از آرا و آثار جی. آر. فرث^۵ نشأت گرفته است. دیدگاه بافت‌مدار، به نظر فرث، هم با دیدگاه سوسور، مبنی بر تفکیک‌پذیری زبان و هم با دیدگاه رفتارگرایانه بلومفیلد، در تقابل آشکار است. توصیف دقیق بافت، به‌عنوان عنصری قابل تفکیک در تحلیل رویدادهای گفتاری، خود امری فوق‌العاده دشوار است. دشواری‌هایی که پیش می‌آیند از سنخ همان مسائلی هستند که در کوشش بی‌ثمر برای تعیین و تشخیص تمامی ویژگی‌های احتمالی افراد درگیر در گفت‌وگو روی می‌دهند. به همین منوال تعیین تمامی بافت‌های ممکن، برای سخن‌گفتن، در زندگی اجتماعی آحاد هر جامعه، عملاً ناممکن است. به ویژه اگر معیارها و موازین مشخصی هم، برای تشخیص تغییرات معنادار در مؤلفه‌ها و عناصر بافت از تغییرات بی‌معنا، در اختیار نباشد. از نقطه‌نظر فنی، بافت تعامل، مفهوم گسترده‌ای است که هم افراد درگیر در تعامل و هم دو عامل دیگر را، که هایمز «موقعیت»^۶ و «زمینه»^۷ می‌نامد، در بر می‌گیرد. «موقعیت» به زمان و مکان کنش - کلام، و به طور کلی، به شرایط و موقعیت فیزیکی تعامل مربوط می‌شود. «زمینه» بیشتر مفهومی فرهنگی است و نیز اشاره به جنبه‌ای

1. C. Archer
2. language variety
3. P. Trudgill
4. B. Malinowski
5. J. R. Firth
6. setting
7. scene

ذهنی - شناختی دارد، که به افراد درگیر در تعامل کمک می‌کند تا بافت‌های معنادار را از بافت‌های بی‌معنا متمایز کنند (نقل از بی‌من^۱، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۹۹).

۲- روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و گردآوری میدانی داده‌ها، و بر اساس مدل لادو ۲۰۰۱، انجام شده است. در روش میدانی از مشاهده و ثبت گفتگوها و همچنین مشاهده مشارکتی، در تعامل با قشری که نمونه‌های ما از آنها انتخاب شده، نیز استفاده شده است. در بخش مشاهده، نمونه مورد بررسی در این پژوهش ۴۰ نفر، شامل ۲۰ مادر و ۲۰ دختر جوان است، که به صورت تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند.

با توجه به اینکه در روش مصاحبه، میزان توجه گوینده به گفتار، در هر لحظه از مصاحبه، به‌عنوان عامل کنترل‌کننده، موجب تصنعی و رسمی‌بودن موقعیت مذکور می‌شود، لذا اساس این تحقیق، بر مبنای گفتگوهای روزمره گوینده با افراد خانواده، دوستان و آشنایان نزدیک است. به عبارتی در این پژوهش، تلاش شده است تا گفتار به صورت کاملاً اتفاقی و عادی در شرایط طبیعی ضبط و سپس پیاده‌سازی گردد. از آنجا که محیط اجتماعی نیز می‌تواند در زبان، بازتاب بیابد و یا به عبارت دیگر، گفتار افراد هر دو نسل، در مناطق مختلف شهر تهران، متفاوت باشد، سعی بر این شد که نمونه‌گیری در تمام نقاط شهر و در موقعیت‌های مختلف انجام‌گیرد. بنابراین گفتار افراد نسل جوان و نسل والدین، در محیط‌هایی مانند دانشگاه، مترو، اتوبوس، پارک، مرکز خیریه و... در موقعیت‌هایی غیررسمی (فضای صمیمی)، و از میان افرادی با تحصیلات دانشگاهی و همچنین بدون تحصیلات دانشگاهی (در هر دو گروه) گردآوری شد. و از آنجا که گفتار بین افراد غیر هم‌تراز (از نظر مقام، طبقه اجتماعی، سن و یا برخی عوامل دیگر) احتمالاً از گفتار بین افراد هم‌تراز، رسمی‌تر است، تلاش گردید تا گفتار افراد هر نسل با افراد مشابه خود و هم نسل خود، در نظر گرفته شود. تلاش شده است تا داده‌های موجود در دو دسته کلی نسلی (که در این تحقیق آنها را نسل مادران و نسل دختران می‌نامیم) تقسیم‌بندی شود. هرچند تنوعاتی در داخل هر نسل و بین گروه‌های مختلف قابل مشاهده است، اما این تنوعات در مقابل گروه‌بندی نسل تعمداً نادیده گرفته شده است. این کار به این دلیل انجام شد که هدف اصلی این تحقیق، بررسی تفاوت‌ها و تشابهات نسلی در کاربرد زبان

1. W. Beeman

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

است. میزان موفقیت در تعامل افراد را بر مبنای سه عامل می‌توان بررسی کرد: شباهت در نظام اعتقادی افراد، شیوهٔ درک، سبک ارتباطی آنها (مورین^۱، ۲۰۰۱: ۶۵). این سه عامل در میان یک نسل به طور نسبی قابل مشاهده است، به همین دلیل هر نسل به‌عنوان یک گروه مشخص بررسی شده است. برای افزایش اعتبار داده‌های به‌دست‌آمده، از روشی تکمیلی نیز برای مشاهدهٔ روابط میان این دو نسل استفاده شده است. به عبارت دیگر سعی شده است که نوع و محتوای رابطهٔ نسل دختران با نسل مادران را نیز، به‌عنوان داده‌های تکمیلی و نهایی، مورد بررسی قرار دهیم.

بنابراین با توجه به این معیارها، تعامل میان افرادی که اشتراکات زیادی با هم دارند (هم‌نسل هستند)، مورد بررسی قرار گرفت. به این ترتیب، مکالمات این افراد ضبط، و با توجه به گفتار این افراد، ارزش‌های زبانی آنها در چند زمینه و در سطح معنایی (در اینجا منظور واژگان است)، با یکدیگر مقایسه شد. عناصر زبانی که در این پژوهش مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند عبارتند از: ۱. واژه‌های تابو، ۲. واژه‌های مذهبی، ۳. واژه‌های خطاب، ۴. واژه‌های عاطفی، ۵. اصطلاحات یا واژه‌های عامیانه (زبان مخفی)، ۶. تکیه کلام. به عبارت دیگر این تحقیق صرفاً بر سطح واژگانی متکی است.

۳- تحلیل داده‌ها

همان‌طور که گفته شد، برخی از واژگان ارتباطی، در موارد خاصی در میان هر نسل جمع‌آوری شده است. جمع‌آوری داده‌ها با تأکید بر ارتباط افقی - یعنی رابطهٔ افراد با هم‌نسل‌های خود بوده، نه با نسل‌های قبل و بعد، که می‌توان آن را ارتباط عمودی دانست - انجام شده است. البته در مواردی نیز ارتباط با نسل قبلی یا بعدی مورد توجه بوده است، که در تحلیل نهایی به آنها اشاره خواهیم کرد. در ادامه به توصیف و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده خواهیم پرداخت. البته به دلیل برخی محدودیت‌ها، در نوشتن داده‌های جمع‌آوری شده، صرفاً برخی از داده‌ها آورده می‌شوند.

در این پژوهش با تأثیر از مدل لادو به بررسی صورت، معنا و توزیع فرهنگ زبانی دو نسل پرداخته می‌شود. به این معنا که صورت‌های الگودار، شامل وجه ظاهر هستند و دارای ترکیبی از معانی، که این معناها نمایندهٔ تحلیلی از صورت‌ها هستند. همهٔ این واحدهای معنادار صورت،

به شکل الگو، دارای توزیع هستند. ترکیبات الگوهای توزیع، از دوره‌های زمانی مختلف، وضعیت‌های مکانی متفاوت و وضعیت‌های متفاوت یک واحد نسبت به واحدهای دیگر است (لادو، ۲۰۰۱: ۵۵-۵۴). به عبارت ساده‌تر، صورت و معنای واژه‌های مورد استفاده در گفتار یا نوشتار، با توجه به شرایط زمانی و مکانی، از یک فرهنگ به فرهنگی دیگر ممکن است متفاوت باشند. به این معنا که برخی واژه‌ها صورت یکسان اما معنای متفاوتی دارند و یا برخی واژگان به‌کاررفته در گفتار، صورت و معنای یکسانی دارند، حال آنکه در دوره‌های زمانی مختلف و یا در شرایط مکانی متفاوت، کاربردی متفاوت دارند. در این بررسی، استفاده از این مدل در سطح واژگان انجام می‌شود.

۳-۱- واژه‌های تابو

واژه‌های تابو (ممنوع)، در واقع واژه‌هایی هستند که نباید آنها را به زبان آورد، یا حداقل در بافت مؤدبانه یا رسمی، باید از به‌کاربردن آنها اجتناب کرد مانند دشنام‌های لفظی، فحش و واژه‌هایی که از منظر عرفی و اخلاقی، زشت شمرده می‌شوند. البته تابو بودن واژه‌ها به صورت یک طیف است و گاه حالت حداکثری به خود می‌گیرد. گاه الفاظ رکیکی که به‌عنوان ناسزا به‌کار می‌روند، چنان بار معنایی منفی می‌یابند، که به‌کاربردن آنها در هر بافت و موقعیتی غیرمؤدبانه و توهین‌آمیز می‌شود. به چنین وضعیتی «تابوشدگی کامل» گفته می‌شود. (لمان، ۱۹۹۲: ۲۶۰). نکته مهم اینست که فهم و تفسیر معنای این واژه‌ها در کاربرد روزمره توسط یک نسل، بسته به زمینه اجتماعی و فرهنگی، متفاوت است. به عبارت دیگر، در مواردی میان اعضای یک نسل و در شرایط دوستانه، این واژه‌ها نه‌تنها دلالت تابویی ندارند، بلکه به‌طور متناقضی بیانگر نوعی صمیمیت و ارتباط نزدیک میان اعضای آن نسل هستند.

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

جدول ۱. واژه‌های تابو

تحلیل بر اساس مدل لادو		مادران		دختران جوان		معیار مورد بررسی	
توزیع	معنا	صورت	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به کاررفته		
متفاوت	متفاوت	یکسان	بیان احساس منفی.	مرتبیکه بی‌شعور خر عوضی حیوون کنافت احمق ابله زهرمار کشافت نفهم بی‌شعور	در مورد دیگران: بیان احساس منفی. در مورد فرد مخاطب: ابراز صمیمیت.	خفه شو، غلط کردی، نفهم، بی‌شعور، عوضی، پدر سوخته، خیلی خری، آشغال، درشو بگیر، دیو، گوز، نجو، کرم نریز، کرمت میلوله، تخم سگ، حرومزاده، کونی، اسپهال، سگ صفت، پدر سگ، تخم خر، چنده، کشافت، گشاد	واژه‌های تابو

با توجه به محاورات ثبت‌شده در جدول بالا، نوع واژه‌های تابوی مورد بررسی، به تفکیک و بر اساس میزان استفاده هر دو نسل، تنوع کاربرد آنها، و تحلیل این واژه‌ها بر اساس مدل لادو، آمده است، که به شرح آنها می‌پردازیم.

بر اساس یافته‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش، واژه‌های تابوی مورد استفاده نسل جوان در گفتار روزمره، بسیار بیشتر از نسل قبلی است. البته نه به این معنا که نسل قبلی به هیچ عنوان از این واژه‌ها استفاده نمی‌کنند، بلکه آنها به مراتب کمتر از نسل جوان، از این واژه‌ها استفاده می‌کنند. واژه‌های تابو در چند دسته قرار می‌گیرند: واژه‌های اخلاقی منفی، واژه‌های جنسی و واژه‌های برگرفته از نام حیوانات. در کل، هر نوع واژه‌ای که در ظاهر بیانگر نوعی سرکوب اخلاقی موضوع مورد بحث، و قراردادن آن در دسته‌ای از عناصر، که بار اخلاقی و ارزشی منفی و حاشیه‌ای دارند، می‌تواند در این دسته قرار گیرد. همان طور که گفته شد، این

واژه‌ها، در هر صورت، دلالت منفی دارند، اما بسته به زمینه می‌توانند به طور متناقضی معنایی دیگر داشته باشند. بر اساس الگوی رایج، بسته به بافت کاربرد زبانی، اگر این واژه‌ها در رابطه با یک دوست به کار روند، بیانگر صمیمیت هستند، و اگر در رابطه با شخصی غیر دوست، به کار روند، در کل، دلالت منفی و ارزیابی اخلاقی منفی خواهند داشت. آنچه که در نسل بزرگ‌تر، به‌عنوان ادب، تعریف می‌شود، از جنبه‌هایی بیانگر تأکیدی است بر عدم کاربرد این واژه‌ها در هر شرایطی. به عبارت دیگر در نسل قبلی، همان طور که از توضیحات آنها برمی‌آید، نوعی تلاش برای فرهیختگی زبان و مؤدب کردن آن وجود دارد، که این تلاش همراه است با حذف کاربردی این واژه‌ها. در حالی که این فرایند فرهنگی فرهیخته کردن زبان، در نسل جدید روندی متفاوت و گاه معکوس به خود گرفته است. لذا این واژه‌ها به بخشی از هویت زبانی این نسل تبدیل شده و به راحتی و به وفور در میان آنها، تقریباً در هر شرایطی، به کار می‌رود.

برخی از واژه‌های تابوی به کاررفته در گفتار نسل جوان عبارتند از:

مرتیکه، بی‌شعور، خر، عوضی، حیوون، کثافت، احمق، ابله، زهرمار، کوفت و... که نوع کاربرد آنها با یکدیگر متفاوت است. برخی از این واژه‌ها هنگامی به کار می‌روند که فرد با مخاطب هم سن خود صحبت می‌کند و نه راجع به فرد سوم. در واقع همه این واژه‌ها در برخی مواقع (صحبت با دوستان صمیمی)، به طور متناقض گونه‌ای برای ابراز صمیمیت و در فضایی کاملاً دوستانه، مورد استفاده قرار می‌گیرند به‌عنوان مثال، در گفت‌وگویی در خوابگاه دخترانه، فردی که پس از اتمام غذا سر رسیده، از دوست خود چنین سؤال می‌کند:

"- سهیلا خره، غذا تموم شد؟"

و دوست پاسخ می‌دهد:

- آره دیوونه، دیر رسیدی.

- خب پس من چی بخورم؟

- تو؟ تو می‌تونی زهرمار بخوری، کوفت بخوری، آخه احمق الان چه وقت اومدنه؟

و همگی با هم می‌خندند."

برخی دیگر از این واژه‌ها، زمانی به کار می‌روند که فرد با مخاطب خود در خصوص شخص دیگری و برای بیان ارزیابی و نگرش منفی نسبت به او صحبت می‌کند. در این حالت این واژه‌ها

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

بیانگر معنای توهین‌آمیز هستند. به‌عنوان مثال: "اون مرتیکه عوضی، فکر می‌کرد من نمی‌فهمم". در اینجا، برخلاف نمونه بالا، هیچ نشانه‌ای از ابراز صمیمیت نیست، بلکه فرد مورد نظر، به بیان احساس خود می‌پردازد.

۳-۲- واژه‌های مذهبی

واژه‌های مذهبی در واقع واژه‌هایی هستند که در وهله اول بیانگر باورها و اعتقادات مذهبی افراد هستند و مربوط به خدا، دین و ائمه اطهار می‌شوند. این واژه‌ها در گفتگوهای روزمره به‌عنوان عنصر ارتباطی مورد استفاده قرار می‌گیرند، و گاه کاربرد کاملاً غیر مذهبی دارند و همانند یک عادت زبانی به کار می‌روند.

جدول ۲. واژه‌های مذهبی

تحلیل بر اساس مدل لادو		مادران		دختران جوان		معیار مورد بررسی	
توزیع	معنا	صورت	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به‌کاررفته		
یکسان	متفاوت	یکسان	دلالت‌ها (تنوع کاربرد) به‌عنوان یک واژه عادی در کاربرد روزمره، جهت تأیید خود	دلالت‌ها (تنوع کاربرد) قرآن - خدایی خدا- ماشاا... به یاری خدا به امید خدا یا حق خدار و شکر یا ... الهی رب العالمین لاله الا اکبر	دلالت‌ها (تنوع کاربرد) معنای واقعی و مقدس واژه و گاهی در جهت تأیید	خدا- وا... ان شاء الله... وا... با... ماشاا...، الحمدا... خداو کیلی یا خدا، یا علی یا ابوالفضل، خدا یاا!!! خدا جون قسم به امام و خدا و قرآن OMG Oh my God	واژه‌های مذهبی

در خصوص نوع، میزان استفاده و کاربرد واژه‌های مذهبی، در نسل امروز و نسل قبلی، می‌توان گفت که در هر دو نسل از این واژه‌ها استفاده می‌شود. به عبارتی نوع واژه‌های به‌کاربرده‌شده، در هر دو نسل، تقریباً یکی است. به‌عنوان مثال در گفتار هر دو نسل، واژه‌هایی

مانند خدا، ا...، ماشاء... و قرآن به کار رفته است. این در حالی است که استفاده از این واژه‌ها در نسل قبلی (مادران)، اگر چه در جهت تأیید گفتار رایج است، اما در معنای واقعی و مقدس واژه به کار می‌رود و بُعد مذهبی آن در گفتار این نسل کاملاً مشهود است. اما نسل جوان در بسیاری از موارد از واژه‌های مذهبی به‌عنوان واژه‌های کاملاً عادی، و به عبارت دیگر، یک عادت زبانی در گفتار روزمره‌شان استفاده می‌کنند. اگر چه این نسل هم مانند نسل قبلی در جهت تأیید گفتار خود از این واژه‌ها استفاده می‌کند اما به بعد مذهبی و معنای واقعی واژه کمتر توجه می‌شود. به این ترتیب، در برخی موارد، صورت واژه‌های مورد استفاده یکی است. یعنی هر دو نسل از واژه‌های یکسانی استفاده می‌کنند اما مفهوم پیام منتقل شده از واژه‌ها در هر نسل متفاوت است. از طرفی هر دو نسل در موقعیت‌های یکسان و جهت تأیید گفتار خود از این واژه‌ها استفاده می‌کنند. بنابراین توزیع واژگان مذهبی بر اساس مدل لادو تشابهاتی دارد. یعنی این واژگان در هر دو نسل به شکلی الگودار، در وضعیت مکانی مختلف و در زمان‌های متفاوت به طور یکسان توزیع می‌شوند. در این میان تفاوت‌هایی نیز در کاربرد و نوع واژه‌های مذهبی می‌توان برشمرد، از جمله رواج واژه‌های مذهبی غیر فارسی و عربی، و معمولاً انگلیسی و مسیحی در نسل جدید است. ضمن اینکه واژه‌های مذهبی نسل قبل، گاه طولانی‌ترند. (مانند لا اله الا...)، که در نسل جدید عموماً واژه‌های مذهبی نسبتاً کوتاه و تک‌کلمه‌ای و همچنین با تمایل بیشتر به اسامی خاص مقدس یا واژه‌های مذهبی فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در کل می‌توان در کنار تشابهات موجود، یعنی کاربرد واژگان مذهبی در معنای عام آن، تفاوت فرهنگی را، هم در میزان کاربرد واژه‌های مذهبی و هم در نوع واژه‌های مذهبی به‌کاررفته در میان این دو نسل شاهد بود.

۳-۳- واژه‌های خطاب

واژه‌های خطاب واژه‌هایی هستند که گوینده، برای آغاز گفت‌وگو و یا ادامه آن، مخاطب خود را با آن مورد خطاب قرار می‌دهد.

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

جدول ۳. واژه‌های خطاب

تحلیل بر اساس مدل لادو		مادران		دختران جوان		معیار مورد بررسی
توزیع	معنا	صورت	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به کاررفته	
متفاوت	یکسان	متفاوت	مورد خطاب قرار دادن (با صمیمیت)	مورد خطاب قرار دادن (با صمیمیت)	بچه‌ها، دوستان، خره، بی‌شعورا، عشقم، جیگر، ناناز، بین، الو، برویچ، گلم، خانمم دوسی، هوو با توام، جونم، قربونت برم، نفس، اصطلاح انگلیسی Miss jalali، نی‌نی، جونم (سلام مینا جونم)، دختر (سلام دختر!)، فرد+جون، رفیق، گلم، عشقم، جیگلم، خانومی، خوشگله، مهربون	واژه‌های خطاب
			نام فرد+جان - عزیزم - قربونت برم - دخترم و مادر جون (به فردی غیر از فرزند خود) - عزیز دخترم، عزیزم، خانمی، جیگر طلا گلم، فدات شم فرد+جان عزیزم، خانوومم، دخترکم عمرم، نفسم			

در خصوص واژه‌های خطاب، می‌توان چنین گفت که نسل امروز، در قیاس با نسل قبل از خود، کمتر از واژه‌های خطاب رسمی مانند شما برای مخاطب قرار دادن افراد استفاده می‌کند. نوع واژه‌های خطاب نسل قبل شامل: نام فرد مخاطب + جان، عزیزم، قربونت برم و ... است. به‌عنوان مثال:

در یک مؤسسه خیریه، مدیر مؤسسه، فردی را، که با چند ساعت تأخیر آمده است، چنین مورد خطاب قرار می‌دهد:

زهره جان چرا اینقدر دیر اومدی؟ می‌دونی چقدر کار داریم؟

این در حالی است که نسل جوان، علیرغم استفاده از واژگانی مانند «عشقم، نانا، جیگر»، از واژه‌های کاملاً متفاوتی نیز مانند: نام فرد مخاطب + خره و بی‌شعور (به صورت غیرمؤدبانه)، بچه‌ها و دوستان (به صورت مؤدبانه) و واژه‌ها دیگری مانند «ببین و الو» استفاده کرده است. نسل جدید بیشتر تمایل به کاربردهای غیررسمی و صمیمانه از واژه‌های خطاب دارد. ضمن اینکه برخی از واژه‌های خطاب در گروه واژه‌های تابو نیز قرار می‌گیرند. نکته مهم اینکه در نسل جدید شهری، این نوع کاربردها تداول بیشتری در فضای صمیمی و خصوصی دارند. اگرچه نوع واژه‌های دو نسل با هم متفاوتند، اما هر دو نسل در سطح صوری کاربرد زبان، واژه‌های خطاب گروه خود را با حالتی صمیمانه، به کار می‌برند. در نسل جدید، این کاربرد صمیمانه، تمایزات معناشناختی خاصی با نسل قبلی نیز دارد، به گونه‌ای که می‌توان گفت در نسل جدید تمایل به ساده‌سازی زبان، کاربردهای آن و همچنین استفاده هرچه بیشتر از زبان غیررسمی و گاه به اصطلاح غیرمؤدبانه در فضاهای دوستانه و هم‌نسلی‌ها دیده می‌شود. در حالی که نسل قبل در خطاب نیز همان قاعده کاربرد زبان مؤدبانه (به گونه‌ای که آن را زبان فرهیخته نیز می‌نامند) را مدنظر دارد.

همان طور که در جدول فوق می‌بینید، در استفاده از واژه‌های خطاب نسل جوان رفتار کاملاً مشابهی با نسل قبل از خود دارد. به این معنا که برخی از واژه‌های خطاب مورد استفاده آنها، واژه‌های غیرمؤدبانه (که گاهی در فضای رسمی، به نوعی واژه تابو نیز محسوب می‌شوند) هستند، که نسل جوان آنها را برای مخاطب قرار دادن دوستان خود برمی‌گزیند. به‌عنوان مثال:

"مینا خره پاشو بریم دیگه دیر شد!"

۳-۴- واژه‌های عاطفی

واژه‌های عاطفی، واژه‌هایی برای بیان احساس و عاطفه هستند، که فرد مخاطب در جریان گفتار گوینده برای بیان احساس خود، نسبت به موضوع مورد بحث، به کار می‌برد تا احساس خود را به گوینده منتقل کند و این امکان را فراهم آورد تا گفت‌وگو به صورت دوطرفه ادامه یابد.

جدول ۴. واژه‌های عاطفی

تحلیل بر اساس مدل لادو		مادران		دختران جوان		معیار مورد بررسی	
توزیع	معنا	صورت	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به کاررفته	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)		واژه به کاررفته
متفاوت	یکسان	یکسان	بیان احساس	عزیزم، آخی، طفلکی، وای نازی، جیگرت و برم نفسم، همه چیز منی ناز من‌ای جانم، نازنین	بیان احساس	عزیزم، جان، فدات شم قربونت برم، وای، نانا، چه ژینگول، آخی نازی بمیرم چقدر بهت سخت گذشته، عزیزم همه چی درست می‌شه، فدات بشم وای سلیقه‌ت خیلی خوبه وای عزیزم، اصطلاح انگلیسی Wow عسلشو، الهی، نازی عجیجم، جیگر، الهی	واژه‌های عاطفی

با توجه به جدول فوق و اطلاعات جمع‌آوری‌شده، در کاربرد واژه‌های عاطفی نیز تفاوت محسوسی بین دو نسل وجود دارد. نسل مادران بیشتر از نسل دختران از این واژه‌ها در گفت‌وگوهای خود استفاده کردند.

برخی از این واژه‌های عاطفی در نسل قبل شامل عزیزم، جان، قربونت برم، فدات شم و وای بود. به‌عنوان مثال: در جمع معلمان، در دفتر یک مدرسه، یکی از آنها در حال توصیف رفتارهای کودک دوساله خود و طرز صحبت‌کردن او بود. پاسخ دو نفر از معلمان در بیان احساساتشان نسبت به آن کودک چنین بود:

عزیزم، چقدر با نمک. وای چقدر بچه‌ها تو این سن بامزه حرف می‌زنن.

و دومی:

جان. عزیزم.

باتوجه به جدول مربوط به واژه‌های خطاب و واژه‌های عاطفی، همان طور که می‌بینید، صورت واژه‌های هر دو گروه واژگان، در نسل قبل یکسان است. در حالی که معنای آنها و کاربردشان متفاوت است.

واژه‌های عاطفی به کاررفته نسل جوان شامل آخی، طفلکی، نازی، وای، فدات شم، ناناز، چه ژینگول، عسلشو و سایر موارد و مثال‌های آورده شده بود. به طور مثال در جمع دختران جوان، در مترو، که در مورد دوست پسر خود حرف می‌زدند، یکی از آنها با نشان دادن عکس دوست پسر خود، شروع به تعریف از او کرد. پاسخ دوستان چنین بود:

آخی، نازی، ولی فکر کنم تا حالا صدتا دوست دختر داشته.

عزیزم، چه خوشگله.

با توجه به مثال‌های بالا، هر دو نسل برای بیان احساس خود از واژه‌های مشابهی استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد می‌توان چنین ادعا کرد که صورت واژگان به کاررفته در برخی موارد از نسل مادران و دختران یکسان است. البته میزان و نحوه توزیع این واژه‌ها، در گفتار متفاوت است. در کل، بر اساس مشاهدات، می‌توان گفت که نسل جدید بیشتر از نسل قبل از واژه‌های عاطفی استفاده می‌کند، و به تعبیری می‌توان گفت که حس عاطفی خودش را در واژگان و در فرایند ارتباطی علنی‌تر ابراز می‌کند. به همین سبب شاید، بر اساس رفتار قابل مشاهده، بتوان گفت که نسل جدید کنش‌گفتاری عاطفی بیشتری را از خود بروز می‌دهد. ضمن این که با توجه به زمینه فرهنگی، نسل جدید، عاطفه را عمومی‌تر و علنی‌تر از نسل قبل تعریف می‌کند. زیرا نسل قبلی رفتار صمیمانه را بیشتر در حیطه خصوصی (هم در فضای خصوصی و هم برای کسانی که رابطه‌ای خصوصی دارند) تعریف کرده است. در نتیجه هم تعریف‌های روانی و فرهنگی دو نسل، تفاوت‌هایی دارد و هم نحوه انجام و ابراز رفتار عاطفی در این دو نسل متفاوت

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

است. ضمن این که در نسل جدید می‌توان نشانه‌هایی از فرهنگ جدید جهانی، یعنی واژگان بیانگر حس عاطفی افراد، مثل (WOW)، را نیز دید. این واژه‌ها به واسطه مکانیسم‌های جامعه‌پذیری متفاوت این نسل، نسبت به نسل قبل، رواج یافته است. مکانیسم‌های نسل قبل بیشتر بر کنترل و محدودیت ابراز عواطف تأکید داشتند.

۳-۵- اصطلاحات/ واژه‌های عامیانه (تکیه‌کلام‌های خاص)

در وهله اول این گروه از واژه‌ها را می‌توان در طبقه زبان مخفی قرار داد. اما با توجه به تعریفی که از زبان مخفی وجود دارد، این طبقه‌بندی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. برای زبان مخفی، یا آرگو، که ریشه‌ای فرانسوی دارد و اولین بار در قرن پانزدهم به کار رفته است، تعاریف مختلفی وجود دارد. مثلاً: «مجموعه کلمات و عباراتی که گروه خاصی آنها را به کار می‌برد و فهمش برای دیگران مشکل است». و یا: «واژگان خاص برخی گروه‌های اجتماعی یا صاحبان حرفه‌ها». زبان مخفی معاصر را دو گروه ابداع می‌کنند و به کار می‌برند. اول: قانون‌گریزان، زیرا نیاز به زبانی دارند که حافظ افکار و مقاصدشان باشد، تا کسی نتواند به دنیای آنان وارد شود. و دومین گروه کسانی هستند که خلاف هنجارهای جامعه رفتار می‌کنند (سمائی، ۱۳۸۲: ۷-۶). اما نمی‌توان گفت که امروزه تنها نوجوانان و جوانان از این واژه‌ها و اصطلاحات در گفتار خود استفاده می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، امروزه در بین اعضای نسل جوان، زبان خاص و پُررمز و رازی، که مانع ورود دیگران به عالم اسرارآمیزشان شود، وجود ندارد. چراکه این واژه‌ها و اصطلاحات، حالت رمزگونه خود را از دست داده‌اند و نسل قبل نیز از این اصطلاحات، در گفتار روزمره خود استفاده می‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد در جامعه کنونی ایران، می‌توان از یک زبان فولکلور برای هر قشر و نسلی صحبت کرد. در سطح واژگان، که موضوع این مقاله است، این زبان فولکلور بیانگر واژگان، معنا و کاربرد خاصی است، که در هر نسل یا گروهی (در سطح خرده فرهنگ‌ها) وجود دارد و نظام ارتباطی افراد را در میان خودشان سامان‌دهی می‌کند. این واژگان فولکلور هر گروه یا نسل، لزوماً تمایز قطعی با واژگان نسل دیگر ندارد، بلکه ممکن است اشتراکات صوری نیز داشته باشد و بیشتر وجه تمایز آنها در نوع و زمینه و معنای مورد نظر در حین کاربرد است. این واژگان در نسل مادران و دختران عبارتند از:

جدول ۵. اصطلاحات/ واژه‌های عامیانه

تحلیل بر اساس مدل لادو			مادران		دختران جوان		معیار مورد بررسی
توزیع	معنا	صورت	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به کاررفته	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به کاررفته	
متفاوت	یکسان	متفاوت	ایجاد ارتباط با واژگان خاص	قاطی کردن، گیر دادن، مسخره‌بازی در آوردن، باحال بودن، جنبه چیزی را نداشتن، حال کسی را جا آوردن، بهش انداختن، ترکوندن، شنگیدن، شاخ شدن، ای ول، شاس زدن، جوگیر شدن،	ایجاد ارتباط با واژگان خاص	شاس زدن، جوگیر شدن، آسکل کردن، دمت گرم، ایول یونی (دانشگاه)، خدایی تو هورا!!!! شاسکول کردن در حد المپیک بابا جیمز باند ما!!! توافق محو شدن بپا دماغت نیافته خیلی خزی، پ نه پ یو؟، م.خ.ب (مراقب خودت باش)، زده بالا! (وقتی طرف خیلی شاد و شنگوله) چارشمبه! آسکل، شاخ شدن، دمت گولی، بابا ایول، شاسگول و آی کیو، اِندشه، باحال پیچوندن، گاگول	اصطلاحات/ واژه‌های عامیانه (زبان مخفی)

باتوجه به تعریف فوق و جدول داده‌ها، نسل مادران کمتر از نسل دختران از این واژه‌ها در گفتار خود استفاده کردند. نوع واژه‌ها و عبارت‌های به کاررفته در گفت‌وگوی مادران، واژه‌هایی مانند «قاطی کردن، مسخره‌بازی در آوردن، گیر دادن، باحال بودن، جنبه نداشتن، حال کسی را جا آوردن، به کسی انداختن و ترکوندن و مانند اینها» بود و واژه‌هایی که دختران جوان به کار بردند شامل: «شاس زدن، جوگیر شدن، آسکل کردن، خیلی خزی، پ نه پ، یو؟، م.خ.ب (مراقب خودت باش)، بابا ایول، شاسگول، گاگول و مانند اینها» بود. اما در مورد کاربرد برخی واژگان دیگر، به نظر می‌رسد واژگان زبان مخفی نوجوانان و جوانان نسل امروز، که در گذشته زبان مخفی و رمزگونه آنها به حساب می‌آمد، امروزه تا حدودی وارد نسل قبل نیز شده است. به‌عنوان مثال واژه‌هایی مانند شاس زدن، جوگیر شدن، ترکوندن و بهش انداختن واژه‌هایی هستند که نسل

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

قبل در تعامل با نسل جدید، با آنها آشنا و آنها را در گفتگوهای خود وارد کرده است، با این تفاوت که صورت واژگانی به‌کاررفته در نسل قبل، اندکی متفاوت با صورت واژگانی نسل جوان است. با توجه به میزان استفاده هر دو نسل از این واژه‌ها، می‌توان گفت که این واژه‌ها از توزیع متفاوتی در گفتار نسل قبل و نسل امروز برخوردارند. به عبارت ساده‌تر، مادران کمتر از دختران جوان، از این اصطلاحات در گفتار روزمره خود استفاده می‌کنند، ضمن این که در نسل جدید، برخی از واژگان به طور مختصرشده به کار گرفته می‌شوند، (به‌عنوان مثال م.خ.ب. به معنای مراقب خودت باش). تمایل به کاربرد بیشتر مخفف‌ها و علائم اختصاری، تا حدی نیز ناشی از رواج وسایل ارتباطی جدید مثل اینترنت و موبایل است. سرعت و مسئله هزینه اقتصادی در میزان نوشتن پیامک‌های موبایل، یا در مواقعی، لزوم ارتباط سریع در چت‌های اینترنتی، به‌رواج بیشتر این زبان مخفی و خلاصه‌شده دامن زده است.

۳-۶- تکیه کلام

تکیه کلام‌ها، در واقع واژه‌هایی هستند که افراد بیش از حد معمول در گفتار خود از آنها استفاده می‌کنند. تکیه کلام‌ها واژه‌هایی نیستند که ما به اختیار و مقتصدانه آنها را به کار گیریم. اگر به این صورت بود گاهی آنها را فراموش می‌کردیم و به یاد نمی‌آوردیم. به عبارتی دیگر، این واژه‌ها به صورت ناخودآگاه و بیش از حد معمول، در گفتار افراد به چشم می‌خورند. گاهی این واژه‌ها بدون آنکه معنا داشته باشند، در گفتار افراد، مورد استفاده قرار می‌گیرند به طوری که برخی افراد به هنگام گفت‌وگو کلمه‌ای را، که در بیان موضوع اثری ندارد، مکرر بیان می‌کنند.

جدول ۶. تکیه کلام

معیار مورد بررسی	دختران جوان		مادران		تحلیل بر اساس مدل لادو		
	واژه به کاررفته	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	دلالت‌ها (تنوع کاربرد)	واژه به کاررفته	صورت	معنا	
تکیه کلام	اصلاً، بشین بینیم بابا بابا (در نه بابا- آره بابا- بابا) ا، آهان، فک کن، جدی خب، به اصطلاح در واقع، برگشتم گفتم خره، عاشقتم، دیوونه می‌دونید که، بگو خب مثلاً، آ، وا اوکی، آره، بوس واقعاً؟؟؟ می‌دونی؟ عجب! می‌گم که... خداییش، عزیزمی، شوتی	تأیید / ادامه‌دادن محاوره	اصلاً- ا لامصب بابا در (آره بابا- ای بابا- نه بابا)، فک کن، جدی مثلاً، عزیزمی بشین بینیم بابا، آی کیو، ضایع، تابلو، ها آدم خندش می‌گیره خدا شفات بده تو روحت، ای بابا اوا، عجب، خداهشده	تأیید / ادامه‌دادن محاوره	متفاوت	یکسان	متفاوت

با توجه به یافته‌های این پژوهش، تعداد دفعات استفاده از تکیه کلام‌ها، در نسل قبل، کمتر از نسل امروز بوده است. این واژه‌ها در هر دو نسل، در بخشی از واژگان به کار برده شده، تقریباً یکسان بوده و شامل «اصلاً، ا، نه بابا، ای بابا، آره بابا، بابا، فک کن، جدی و...» بود. همه این واژه‌ها به منظور تأیید و ادامه‌دادن گفت‌وگو به کار می‌روند. اما به نظر می‌رسد برخی از تکیه کلام‌های نسل جوان، و حتی مادران، مانند: «خداییش و عزیزمی»، که متأثرند از برنامه‌های رسانه‌های ارتباط جمعی، متناسب با زمان، قابل تغییرند. و برخی واژه‌ها کاملاً مختص نسل جوان امروزند. مانند: «بشین بینیم بابا، آی کیو، ضایع، تابلو و...». البته، عموماً استفاده از تکیه کلام‌ها بیشتر در بین جوانان و نوجوانان دیده می‌شود. تکیه کلام‌های بی‌ریشه

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

نیز در جامعه وجود دارند، که باید رسانه‌های ارتباط جمعی در فرهنگ‌سازی واژه‌های معادل برای این کلمات تلاش کرده و واژه‌های با معنا را جایگزین آنها کنند. بنابراین می‌توان گفت صورت واژه‌های مورد استفاده و میزان کاربرد (توزیع) بخشی از واژگان تکیه کلام، مورد استفاده در دو نسل متفاوت است. نسل دختران کاربرد بیشتری از تکیه کلام‌ها دارند. تمایل نسل مادران به استفاده از زبان عادی، و به تعبیر خودشان مؤدبانه‌تر (یعنی زبانی که قواعد زبان رسمی را بیشتر رعایت می‌کند) است، که ارتباطات زبانی کامل‌تری را، با استفاده کمتر از واژگان خاص، ایجاد می‌کند. به همین سبب نسل دختران، که در محاوراتشان تمایل بیشتری به فاصله از زبان رسمی نشان می‌دهند، از این تکیه کلام‌های زبانی بیشتر استفاده می‌کنند. ضمن اینکه این تکیه کلام‌ها، قابلیت بازنمایی سریع و متراکم احساسات طرفین را دارند و عملاً بیانگر نوعی تمایل بیشتر در کاربرد اقتصادی زبان (حداقل واژه‌ها و کلمات برای حداکثر معنای مورد مبادله) در دختران نسبت به مادران است.

۴- نتیجه‌گیری

هر جامعه، مجموعه مشترکی از اصول و قواعد تعامل و چارچوب‌ها و الگوهای بنیادینی دارد، که افراد آن جامعه را، با توجه به موقعیت خاص، ملزم به استفاده از رفتار زبانی مناسب می‌کند. اگرچه تفاوت نسل جوان، در مقایسه با نسل قبل از خود، در به‌کارگیری واژگان، بسیار محسوس است، اما نمی‌توان چنین تفاوتی را به‌عنوان شکاف بین‌نسلی تلقی کرد. چراکه این تفاوت تنها در به‌کارگیری نوع واژگان، یعنی جنبه ظاهری (صورت) زبان است، در حالی که مفهوم منتقل‌شده واژه مورد استفاده نسل جوان، تفاوت چندانی با مفهوم واژگان مورد استفاده نسل قبل ندارد. در واقع نسل جوان به طرز متفاوتی از زبانش برای فهماندن منظور خود استفاده می‌کند، اما معیارهای زبانی او، در تعامل با دیگران، بر مبنای همان چارچوب بنیادین جامعه استوار است. و یا به عبارت ساده‌تر، بر اساس مدل لادو، علایم زبانی مورد استفاده در هر دو نسل، صورتی متفاوت دارند اما در سطح کلان و برای بیان منظور کلی (مثل ابراز عاطفه و صمیمیت)، مفهوم و محتوای یکسانی دارند. به بیان دیگر، اگرچه نوع واژه‌های به‌کاررفته در گفتار دو نسل، متفاوت است، اما محتوای پیام آنها در کلیت هیچ تفاوتی باهم ندارد. همچنین در سطوح روزمره تعامل و نوع ابراز و انتقال معنا، تفاوت‌های نسلی خاصی قابل مشاهده است.

به نظر می‌رسد بخشی از تفاوت‌هایی که در نوع واژه‌ها و دلالت‌های آنها دیده می‌شود، با ارجاع به مفهوم بافت قابل فهم است. با توجه به تحولات فرهنگی جامعه ایرانی، بافت تعامل میان کنشگران زبانی تغییر کرده است. به نظر می‌رسد فهم این تحولات و تفاوت‌ها، تا حد زیادی منوط به فهم بافت و مؤلفه‌های آن است. در این الگو، شرایط افراد درگیر در تعامل، موقعیت و زمینه، در تعیین بافت و محتوای زبان به کاررفته، بسیار مهم است. به عنوان مثال، فضای مسجد، موقعیت تعامل یکی از موارد ضبط گفت‌وگوهای گروهی از جوانان بود، که ویژگی آنها در کاربردهای زبانی، عدم توجه به هنجارهای رایج و به عبارت دیگر هنجارشکنی گسترده در کاربرد زبان بود. به نظر می‌رسد با توجه به همین موقعیت، آنها از زبان، به نحو «اخلاقی‌تر» در مفهوم رایج آن در جامعه، استفاده کردند. به عبارت دیگر آنها از اصطلاحات تابو و واژه‌های خطابیی که گاه از نظر عرفی زشت شمرده می‌شوند، کمتر استفاده کردند. البته علاوه بر موقعیت، زمینه ذهنی کنشگران نیز مهم بود. نگرش و ارزیابی ذهنی و شناختی آنها از فضای مسجد، اثر تعیین‌کننده‌ای بر نوع استفاده از زبان داشته است، به گونه‌ای که می‌توان از مکانیسمی نام برد که خود مردم آن را «حرمت نگه‌داشتن» می‌نامند. حرمت نگه‌داشتن نوعی عملکرد زمینه‌ای (ذهنی و شناختی) در ارزیابی موقعیت تعامل و نوع کنش زبانی مقتضی آن است. در نهایت این مکانسیم ذهنی و شناختی، در شکل‌دادن به بافت تعامل، اهمیت بسیاری دارد. به عبارت دیگر بنا به زمینه‌های ذهنی کنشگران زبانی، در برخی بافت‌های تعامل، مانند بافت‌های مذهبی، خانوادگی و رسمی، زمینه ذهنی بیش از همه به سمت مکانیسم کاربرد زبان در راستای «حرمت نگه‌داشتن» بافت و موقعیت، عمل می‌کند. البته نحوه و گستره این زمینه ذهنی، در نسل‌های مختلف تفاوت‌های معناداری دارد. داده‌ها نشان می‌دهد که نسل گذشته، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی بیشتر به این مکانیسم، پایبند است. یعنی در موارد و موقعیت‌های بیشتری و با شدت زیادی آن را مراعات می‌کند. در حالی که نسل جدید، از لحاظ کمی و کیفی، کمتر به آن پایبند است. لذا درک زمینه ذهنی کنشگران، برای فهم نحوه کاربرد زبان توسط آنها، اهمیت بسیاری دارد. به نظر می‌رسد با تأکید بر تأثیر بافت (کنشگران، موقعیت و زمینه)، بر محتوای دلالت‌های کاربرد زبان، باید نتایج این تحقیق را در سطح کلی مشروط به شرایط بافت دانست. تجربه زیستی و مشاهدات ما از زبان روزمره بیانگر آن است که کاربرد زبان و نوع واژه‌ها، در همه انواع تقسیم‌بندی‌های این مقاله، و همچنین نحوه کاربرد و دلالت‌های آنها، بسته به بافت است.

تحولات فرهنگی و تفاوت‌های بین‌نسلی ...

به این دلیل، که داده‌های موجود در این تحقیق در بافت‌های خاصی (موقعیت‌های خاصی) گردآوری شده‌اند، لذا محدودیت‌های خاصی دارند. هرچند قصد تعمیم این یافته‌ها را نداریم، اما هدف اصلی این مقاله، یعنی بررسی زبان‌شناختی پیرامون تأثیر تحولات نسلی و فرهنگی بر کاربردهای زبانی، در داده‌های محدود این پژوهش نیز قابل مشاهده است. به همین سبب باید تأثیر این تحولات را پذیرفت. تأثیری که در نهایت منجر به تفاوت‌هایی در نحوه کاربرد زبان، و در موارد خاصی، در نوع دلالت‌ها و میزان و نوع واژه‌های به‌کاررفته می‌توان دید. بنابراین با توجه به پرسش اولیه، و بر خلاف تصور محقق مبنی بر وجود شکاف بین نسلی در جامعه، اگرچه انعکاس متفاوت نگرش‌ها و باورها، هنجارها، رفتارها و ارزش‌های مشترک بین دو نسل در زبان، متفاوت است، اما این تفاوت منجر به بروز کشمکش و عدم تفاهم بین دو نسل نشده و فاصله و تفاوت نسل دوم و سوم، کاملاً طبیعی است. چراکه همواره در بین نسل‌ها و درون همه نسل‌ها، نوعی فاصله و تفاوت احساس می‌شود، که ممکن است ناشی از عوامل طبیعی مانند تفاوت‌های سنی، تفاوت‌های نسلی، توقعات و انتظارات متفاوت نسل‌ها، شرایط جامعه، شرایط جهانی و حتی پیشرفت تکنولوژی (استفاده از ماهواره و اینترنت) باشد.

منابع

- آقاجری، سیدهاشم (۱۳۸۲). "انقطاع نسل‌ها- انسداد نسل‌ها". نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- بی‌من، ویلیام (۱۳۸۶). زبان، منزلت و قدرت در ایران. ترجمه رضا مقدم‌کیا، تهران: نشر نی.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه. ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). "زمینه‌های اجتماعی گسست نسلی در ایران". نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

توکلی، مهناز (۱۳۸۲). "بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی". نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۲). "ویژگی‌ها، افکار و پیامدهای ظهور نسل سوم نخبگان در ایران". نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

سمائی، سیدمهدی (۱۳۸۲). فرهنگ لغات زبان مخفی (با مقدمه‌ای درباره جامعه‌شناسی زبان)، تهران: نشر مرکز.

فیرحی، داوود (۱۳۸۲). "ملاک‌های سیلان یا انقطاع نسل‌ها در ایران". نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی. به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

قادری، علی (۱۳۸۹). شکاف نسل‌ها، بررسی جامعه‌شناختی فاصله نسل‌ها از انقلاب اسلامی تاکنون، شاهین‌شهر: مکاتیب.

معیدفر، سعید (۱۳۸۳). "شکاف نسلی یا گسست نسلی (بررسی شکاف نسلی در ایران)". نامه علوم اجتماعی، ش. ۲۴، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

Archer, C. (2001). "Culture bump and beyond". in Valdes, J. M. (ed): *Culture bound: Bringing the culture gap in the language teaching classroom*. Cambridge: Cambridge University Press. 170-178.

Lado, R. (2001). "How to compare two cultures". in Valdes, J. M. (ed): *Culture bound: Bringing the culture gap in the language teaching classroom*. Cambridge: Cambridge University Press. 52-63.

Lehmann, P. Winfred (1992). *Historical linguistics*. London and New York: Routledge.

Morain, G. (2001). "Kinesics and cross-cultural understanding". in Valdes, J. M. (ed): *Culture bound: Bringing the culture gap in the language teaching classroom*. Cambridge: Cambridge University Press. 46-76.